

# کوچه‌ی فانوس‌ها

سرچشمه‌های شعر غنایی چین

گردآوری و ترجمه:

عباس صفاری



مال انتشارات فرارید

## فهرست

- آن سوی دیوار..... ۱۱
- کهن ترین ها..... ۳۳
- مرثیه‌ی هشی - چاون..... ۳۵
- جواهر..... ۳۶
- ردای نجابت زرد است..... ۳۷
- برای همسرش..... ۳۸
- برگ بید..... ۴۰
- تپه‌های شرقی..... ۴۲
- اگر در جاده..... ۴۵
- دو ترانه‌ی فولکوریک..... ۴۶
- پرستوها..... ۴۷
- لی‌فو - جن..... ۴۹
- در زمین‌های سُفلا کارامبلا می‌روید..... ۵۱
- موش را می‌بینی - دست کم پوستی بر تن دارد..... ۵۲
- کدوی قلیایی..... ۵۳
- پرده‌های حجله..... ۵۴
- بر فراز سرم..... ۵۵
- پرستوها بر فراز رودخانه..... ۵۶
- نی‌های حاشیه‌ی مرداب..... ۵۷
- توان دیدارت را ندارم..... ۵۹
- درختان بید..... ۶۰
- وداع چین‌چیا..... ۶۱
- پاسخ همسر چین‌چیا..... ۶۳

۱۰۸	بر کوهپایه‌های هُوا
۱۰۹	چگونه است شب؟
۱۱۱	در بهشت
<b>از کتاب ترانه‌ها</b>	
۱۱۳	آن سوی دروازه‌ی شرقی
۱۱۶	به
۱۱۷	اگر به‌راستی دوستم می‌داری
۱۱۸	طناب پیچ
۱۲۰	باد و باران
۱۲۱	بخوان! بخوان! عقاب ماهی‌خوار
۱۲۳	زن می‌گوید: «خروس می‌خواند»
۱۲۵	آهوی مرده در چمن‌زار
۱۲۶	که می‌گوید رودخانه عریض است؟
۱۲۷	پیچک خاردار بر دیوار
۱۲۹	دختر محجوب
۱۳۰	نی‌ها
۱۳۲	چیدن علف
۱۳۳	رودخانه‌های زن و وی
۱۳۵	نگاهی به یک کلاه ساده
۱۳۶	مشتاق زندگی با سرورش تا دم مرگ
۱۳۸	بوته‌های ارزن پر بار و بلند روئیده‌اند
۱۳۹	قایق سرو شناور است
۱۴۱	چه زرنگ و زبان‌بازی تو
۱۴۲	بوته‌های کُذرو می‌گسترند تا تیره کنند خلنگ را
۱۴۴	شاهین تیزپرواز
۱۴۶	توت‌بُن‌های کنار باتلاق دل‌انگیزند
۱۴۷	ویز ویز مگس‌های شب‌تاب
۱۴۸	باد شمالی سرد می‌وزد
۱۵۰	شو به شکار رفته است
۱۵۱	شاد شاد است سرور من
۱۵۲	چگونه می‌توان

۶۵	ماه که برمی‌آید
۶۶	زنی برای چیدن سنبل
۶۷	دروازه اصلی
۶۹	باد پائیزی
۷۱	پیچک‌ها در جنگل می‌رویند
۷۲	ساقه‌های علف
۷۳	باد از جانب شمال می‌وزد
۷۵	شناور بر آب‌های رودخانه‌ی «هو»
۷۶	ترانه‌ی غمناک
۷۷	در فکر کسی هستیم
۷۹	مرگ عشق
۸۰	درخت‌های زبان گنجشک
۸۱	پنج ترانه
۸۳	ترانه‌ی فصل گیلان
۸۴	دو شعر از تزو - یه
۸۵	ترانه‌ی ترانه‌ها
۸۶	از پنجره‌ی اتاقت
۸۷	شباب

<b>سرایندگان زن</b>	
۸۹	ترانه‌ی سپیدمویان
۹۱	ملاقات در گذرگاه
۹۳	زن
۹۴	مرد من به مأموریت رفته است
۹۶	ادیبی در ردای آبی
۹۷	از تو خواهش می‌کنم، زونگ زی
۹۸	ماه‌گیر
۱۰۰	به استقبال یکی از نوزده شعر معروف هان
۱۰۲	ترانه‌ی دریاچه‌ی هسی لینگ
۱۰۳	ترانه‌ی اندوه
۱۰۴	ترانه‌ی بهاری
۱۰۵	ماه تابناکی روشن می‌کند
۱۰۶	

۱۵۳	بو بسیار دلیر است
۱۵۵	از مجموعه‌ی نوزده شعر کهن
۱۵۷	ماه تابان
۱۵۸	همواره و همواره
۱۵۹	نی دورافتاده از نیستان
۱۶۰	برج‌های برافراشته
۱۶۲	در حیاط خانه
۱۶۳	نخستین ماه زمستان
۱۶۴	سبز سبز
۱۶۵	سرد، سرد
۱۶۶	قلعه‌ی شرقی
۱۶۸	در گذر از رودخانه
۱۶۹	چوپانزاده
۱۷۱	از آرشیو اداره‌ی موسیقی
۱۷۳	دروازه شرقی
۱۷۵	پرواز طاووس‌ها به جنوب شرقی
۱۹۱	منابع انگلیسی
۱۹۳	Preface

## آن سوی دیوار

بی تردید یکی از گنجینه‌های عظیم و شگفت‌انگیز شعر جهان با قدمتی بیش از سه هزار سال به چین تعلق دارد که قرن‌ها کشور همسایه و گاهی هم‌سرنوشت با ما بوده است.

شعر در ایران و چین از اعتبار و جایگاه مشابهی برخوردار است. شعر هنر ملی و ارجمندترین دستاورد ادب و هنر این دو سرزمین باستانی است. تعدادی از شاعران طراز اول کلاسیک که به شهرت جهانی رسیده‌اند، از این دو کشور برآمده‌اند. اگرچه چین در عرصه‌های دیگر هنر مانند مجسمه‌سازی، معماری، آبرای شرقی، مینیاتور و سرامیک دارای سنتی غنی با شهرتی جهانی است، هنر افتخارآفرینش که خاطره‌ی مشترک اقوام متنوع آن سرزمین را به ثبت رسانده، همواره شعر بوده است. شعر چین تنها دریچه‌ای است که از میان آن سرتاسر پانورامای تاریخی و فرهنگی این تمدن را می‌توان مشاهده کرد. ما خیام و مولوی و حافظ را به جهان عرضه کرده‌ایم و آنها آثار گرانبهای توفو و لی‌پای و وانگ‌وی را به گنجینه‌ی شعر جهان افزوده‌اند.

اما آنچه جای تأسف بسیار دارد این است که به‌رغم همسایگی در طی قرن‌ها و لطمه خوردن‌های مکرر از جانب دشمنی یگانه، هرگز نتوانسته‌ایم از شعر و ادب و هنرهای نوشتاری یکدیگر تأثیر پذیریم. به استثنای مینیاتور که

از نگارخانه‌های چین به ایران رسیده است و هنر قالبی‌بافی که باید از ایران به چین رفته باشد، داد و ستد قابل ذکر در عرصه‌های هنر نداشته‌ایم. اسنادی نیز موجود است که نشان می‌دهد اندیشه‌های بودا از طریق خراسان، افغانستان و دیگر ایالات شرقی ایران به چین رفته است. اگرچه قرن‌ها پس از آن، اسلام نیز از همین مسیر تا مرزهای امروزی «ماندرین» پیش می‌رود اما رواج تعالیم و اندیشه‌های بودا از طریق ایران بدون تردید آخرین رویداد عمده و قابل ذکر است که خارج از حوزه‌ی تجارت و مراسلات و مکتوبات دیوانی و دولتی انجام می‌پذیرد و نقش ما نیز در این نقل و انتقال در حد میانجی است و چیزی از خود به آن نیافزوده‌ایم.

اینکه چه عوامل و مشکلاتی باعث این گسست و فقدان شده است، شرح مفصلی دارد و تحقیق و بررسی دیگری را می‌طلبد. اما بی‌تردید دشواری خط و زبان چینی که از سنت و سابقه‌ای کاملاً متفاوت از زبان‌های هند و اروپایی برخوردار است یکی از آنها باید باشد. زبان و خط هیروگلیفی چینی طی قرن‌های متمادی مرز نفوذناپذیر و «دیوار چین» شعرا و نویسندگان این دو تمدن همجوار بوده است. دیوار ضخیمی که تا همین دوران معاصر نگذاشته است نغمه‌ی سحرانگیز بلبل شعر فارسی به گوش شاعران آن دیار برسد و آواز شبانه‌ی جیرجیرک شعر آنها به گوش ما.

اگرچه چینی از زبان‌های پیچیده و مشکل جهان محسوب می‌شود و آموختن آن برای غیربومی دشوارتر از زبان‌های هند و اروپایی است اما به‌خاطر ماهیت تصویری‌اش یکی از اصولی‌ترین و مناسب‌ترین زبان‌ها برای سرودن شعر است. انعطاف‌پذیری این زبان از شعر موزون و مقفای دوران کنفوسیوس تا اشعار آزاد و بی‌وزن شاعران معاصر و امکانات گسترده‌ای که در جهت مانور و بازی‌های زبانی به شاعر داده است را در فرهنگ و تمدن دیگری نمی‌توان سراغ گرفت.

کاراکترها در شعر چین وسیله نیستند، بلکه حتی‌المقدور با بهره‌ای که از طبیعت گرفته‌اند همان هدفی را دنبال می‌کنند که ذهن شاعر می‌خواهد به آن برسد. اگر شاعر به فرض کاراکتر درخت را بر کاغذ رسم کند کمابیش، حتا در نگارش ساده‌شده‌ی مدرنش شکل درخت را تداعی می‌کند، و کاراکتر خانه شباهت به خانه دارد و پرنده به پرنده و...

همین درجه از تنوع و انعطاف‌پذیری را در افعال و ضمائر و شکل بخشیدن به مفاهیم نیز مشاهده می‌کنیم. برای مثال در زبان فارسی یا انگلیسی فعل «بر آمدن» را هم برای خورشید به کار می‌برند هم برای غبار راه. اما زبان چینی برای بر آمدن خورشید یک فعل دارد، برای غبار راه یک فعل دیگر و برای بر آمدن نفس یک فعل دیگر. افعالی که غالباً از ترکیب کاراکترهای پایه‌ای ساخته می‌شوند. ارنست فنلوزا که یکی از علمی‌ترین رسالات را درباره‌ی شعر چین نوشته است، می‌گوید:

«چینیان به تصادف شیوه‌ی تصویرنگاری را انتخاب نکردند، بل این نوع کتابت متأثر از جهان‌بینی آنهاست که قائل به نفوذ متقابل انسان و طبیعت‌اند. آنها زبان و طبیعت را نیروهای خلاق می‌نامند که پیوسته در تعامل‌اند و تأثیر و تأثر آنها دیالکتیکی است نه مکانیکی. هریک از واژه‌نگارهای چینی (و بالطبع جمله‌ها) بیان‌کننده این روند طبیعی هستند.»\*

خط چینی همان‌طور که اشاره شد، از خانواده‌ی بسیار قدیمی خطوط هیروگلیفی است که در طول زمان تغییر شکل داده و به صورت مدرن امروزی‌اش درآمده است. کلمات چینی با ترکیب این کاراکترها نوشته می‌شوند. واژه‌ی شعر نیز یکی از این کلمات ترکیبی است. این واژه را که چینی‌ها «شیه» تلفظ می‌کنند، از دو کاراکتر تشکیل شده است. کاراکتر اول معنی

\* واژه‌نگارهای چینی، رسانه‌ی شعر، ارنست فنلوزا، ترجمه‌ی احمد اخوت، نشر فردا، ۱۳۷۸.